| تاریخ دریافت:۱۳/۰۶/۱۴۰۰ | تاریخ پذیرش:۲۷/۰۹/۱۴۰۰ |

اعتباریابی و اعتمادسازی در مطالعات اسلامی با تأکید بر دانش مدیریت

محسن منطقی*

دانشیار گروه مدیریت اسلامی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.

Manteghi@iki.ac.ir

چکیده

بخش مهمی از تلاش‌های محققان در پژوهش‌های مدیریت اسلامی، براساس پژوهش‌های کیفی و مبتنی‌بر اسناد و متون دینی است. همان‌گونه که پژوهش‌های کمّی با روایی و پایایی ارزش علمی پیدا می‌کنند، پژوهش‌های کیفی نیز نیازمند عناصر اطمینان‌بخش هستند که توانایی اعتباریابی و اعتمادسازی را داشته باشند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی، مستند به دانش اصول فقه و فلسفهٔ اسلامی، به شناسایی عناصر اصلی اعتباریابی و اعتمادسازی در پژوهش‌های مدیریت اسلامی پرداخته است. یافتهٔ اساسی این پژوهش شناسایی چهار عنصر استناد دینی، انسجام و هماهنگی، مطابقت با واقعیت و کارآمدی، به‌عنوان معیار اصلی در پژوهش‌های مدیریت اسلامی است. هر یک از این عناصر دارای سنجه‌ها و ملاک‌هایی برای پایش عناصر اصلی هستند که محقق می‌تواند با استفاده از آن‌ها، نسبت‌به ارزشمندی پژوهش اطمینان حاصل کند.

کلیدواژه‌ها: اعتباریابی، اعتمادسازی، استناد دینی، انسجام، مطابقت، کارآمدی.

* https://orcid.org/0000-0002-8989-2652

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

مقدمه

شناســایی و طراحی روش تحقیق مناســب و اطمینان‌بخــش از دغدغه‌های مهم اندیشــمندان و دانش‌پژوهان مدیریت اسلامی است. آنان تلاش دارند با رعایت روش‌های پذیرفته‌شده و اثبات‌شده، تحقیقات مدیریت اسلامی را در سطح علمی ارائه کنند. در این زمینه نیاز است که مؤلفه‌ها و ابعاد روش‌های تحقیق در مدیریت اســلامی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. عمدهٔ تلاش‌های محققان در پژوهش‌های مدیریت اسلامی، در مســیر پژوهش‌های کیفی است. همان‌گونه که پژوهش‌های کمّــی با روایی و پایایی اطمینان مخاطب را جلب می‌کند، پژوهش‌های کیفی نیز نیازمند ابزارهای اطمینان‌بخش هستند.

بیان مسئله

پایایــی یا قابلیت اعتمــاد[1] و نیز روایی یا اعتبار[2] دو عنصری هســتند که به پژوهش‌ها وجههٔ علمی می‌دهنــد. پایایی بیان‌کنندهٔ درجهٔ ثبات، همســانی و قابلیت پیش‌بینی اســت. روایی بیان می‌کند سنجش‌های تحقیق همان چیزی را اندازه‌گیری می‌کنند که قصد اندازه‌گیری آن را داشته‌ایم (هومن، ۱۳۹۱: ص ۱۱۷). تاکنون شیوه‌های مختلفی به‌منظور دستیابی به روایی و پایایی، در تحقیقات ارائه شده اســت. روایی و پایایی نزد اثبات‌گرای منطقی، پذیرفته شده و مقبول است. آنان در تحقیقات کمّی، با استفاده از شیوه‌های تجربی روابط علّی بین متغیرها را سنجش کرده و نسبت‌به نتایج تحقیق اطمینان حاصل می‌کنند. در تحقیقات مدیریت با رویکرد کمّی، ســؤال اساســی این است که آیا روش به‌کار گرفته‌شده در پژوهش توانایی این را دارد تا آنچه قصد سنجش آن را دارد به‌خوبی بسنجد و نتایج پژوهش صحت دارد یا نه؟ پاســخ به این ســؤال در تحقیقات کمّی، با تکیه بر آزمون‌های دقیق آماری ممکن اســت و می‌توان به نتایج قانع‌کننده‌ای رسید. «روایی» که میزان اطمینان‌بخشی سنجه‌ها را نشــان‌می‌دهد و «پایایی» که شاخص تکرارپذیری را نشان‌می‌دهد، روش ادعای علمی نیســتند، بلکه ویژگی‌هایی اســت که یک ادعای علمی باید آن را دارا باشد (عزیزی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۳).

در ســالیان اخیر، اســتفاده از پژوهش‌های کیفــی در مدیریت رواج یافته اســت. طرفداران پژوهش‌های کمّی نیز به منظور دســتیابی به نتایج مطمئن‌تر و دقیق‌تر، در کنار شــیوه‌های کمّی از شــیوه‌های کیفی نیز استفاده کرده و برخی از ترکیب این دو روش، یعنی روش‌های آمیخته، استفاده

1. Reliability
2. Validity

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

می‌کننـــد. به‌هرحال دغدغهٔ اصلی میزان اطمینان‌بخشـــی روش‌های به‌کار گرفته‌شـــده در این‌گونه از روش‌هاســـت. روش‌های کیفی به دلیل تکیه‌داشتن به برداشـــت‌های توصیفی ـ تحلیلی و مبانی تفســـیری، نمی‌توانند در معـــرض بازبینی قرار گیرند زیرا از شـــرایط آزمون‌های استانداردشـــده و تکرارپذیر (همانند روش‌های کمّی) برخوردار نیســـتند و امکان اخذ آزمون صحت را به ســـهولت روش‌های کمّی ندارند. این موضوع زمینهٔ کم‌توجهی جامعهٔ علمی به روش‌های کیفی در مطالعات مدیریت اســـلامی شده و علی‌رغم اشـــکالات و نارســـایی‌های فراوان در روش‌های کمّی، برخی تمایلی به انجام روش‌های کیفی ندارند؛ ازاین‌رو، شناســـایی و معرفـــی معیارها برای اعتباریابی و اعتمادســـازی روش‌های کیفی مفید است تا اندیشمندان مدیریت بتوانند به‌نحو شایسته‌ای از منابع اسلامی اســـتفاده کنند؛ بنابراین، سؤال اساسی این اســـت که معیارهای اعتباریابی و اعتمادسازی پژوهش‌های کیفی در مدیریت اسلامی چیست؟

ارزیابی پژوهش‌های کیفی

همان‌گونه که اندیشـــمندان اثبات‌گرا، نیازمند اثبات اطمینان‌پذیری و خطاناپذیری روش‌های به‌کار گرفته‌شده‌اند، اندیشمندان غیراثبات‌گرا نیز خواهان شناسایی و اثبات خطاناپذیری روش‌های به‌کار گرفته‌شده هستند. در این زمینه توافقی بین اندیشمندان وجود ندارد. برخی از محققان بر این باورند کـــه می‌توان از همان اصطلاحات رایج در تحقیقات کمّی (روایی و پایایی)، در تحقیقات کیفی نیز استفاده کرد. این عناوین شایستهٔ بررســـی صلاحیت‌های علمی تحقیقات کیفی را دارند (فقیهی و علیـــزاده، ۱۳۸۴: صص۹ـ۷). برخی دیگر نیز روایی و پایایی را ماهیتاً مناســـب پژوهش‌های کمّی می‌دانند و آن‌ها را در پژوهش‌های کیفی اســـتفاده نمی‌کنند و درصدد تبیین اصطلاحات مناســـب هستند. روایی و پایایی مربوط به روش کمّی و پارادایم اثبات‌گرایی است. ازاین‌رو، نمی‌توان مفاهیم یک پارادایم را در پارادایم دیگر به‌کار گرفت (Giorgi, 1988: pp 167-176).

اساساً یک پژوهش بدون بررســـی اعتبار علمی، در اثبات ادعای خود ناتوان است. در تحقیق علمی، تلاش می‌شـــود که صحت و ســـقم روش تحقیق به‌کار گرفته‌شـــده اثبات شده و بیان شود (Onwuegbuzie and Johnson, 2006: p51). مثـــلاً در تحقیقات کمّی، محقق درصدد تبیین این امر است که اگر محققان دیگر این روش تحقیق را به‌کار گیرند، به همان نتایجی دست می‌یابند که وی دست یافته اســـت (پایایی)؛ ازسوی دیگر، ابزار و روش به‌کار گرفته‌شده در این تحقیق توانایی شناسایی و انعکاس حقیقت مورد مطالعه را داراست (روایی).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

پژوهش در مدیریت اسلامی

دانش مدیریت براســاس مؤلفه‌های فرهنگی رشد کرده و شــناخته می‌شود (گریزری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۸). مدیریت متکی بر بنیان‌های اعتقادی و ارزشــی فرد و جامعه شکل می‌گیرد. سخن‌گفتن از مدیریت اســلامی، بدان معناست که محققان براساس مبانی اسلامی، درصدد استخراج آموزه‌های مدیریتی هســتند. استنباط مدیریت از تعالیم اسلامی، نیازمند بهره‌برداری از منابع اصیل اسلامی، یعنی قرآن، ســنت، و عقل است (کارگروه بنیادین مدیریت اســلامی، ۱۳۹۷: ص ۳۵). البته این موضوع در همهٔ علوم انسانی جاری است؛ اما تأکید این مطالعه بر مدیریت اسلامی است. استنباط از منابع اسلامی در مراحل فرایند و یافته‌های پژوهش به‌صورت قاعده‌مند، می‌تواند به دستاوردهای معتبر و اطمینان‌بخش در مدیریت اسلامی منجر شود.

لطیفی (۱۳۹۰) در «روش‌شناســی راهبردهای تدبر در قرآن‌کریم»، به موضوع اعتبارســنجی تحقیقات قرآنی پرداخته اســت. وی ضمن برشــمردن صلاحیت‌های شــخصی محقق، بر اعتبار درونی و اعتبار برونی تأکید می‌کند. وی دو عنوان اتقان (برخورداری از قوت در برداشت و فهم آیه، ضمن احتراز از خطای مهلک تفسیر به‌رای) و افاده (پاسخگویی جامع و کامل به مسئلهٔ پژوهش) را پیشنهاد می‌کند. توسلی و سعدی (۱۳۹۴) نیز در تبیین مؤلفه‌های حجیت خط‌مشی‌های عمومی، به اســتناد اجتهادی به دین، انســجام و کارآمدی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های اسلامی، شناسایی ملاک‌های اعتباریابی موردتوجه اندیشــمندان اســت. ازاین‌رو، برخی از قواعــد دانش اصول فقه عهــده‌دار این امر بوده‌اند. در دانش «اصول فقه» برخی اصطلاحــات (اصول و قواعد) به موضوع اعتباریابی و اعتمادسازی اســتنباط‌های دینی پرداخته‌اند. مانند بررسی مفهوم «حجیت ظواهر»،[۱] «صحت»،[۲] «اســتعمال»،[۳] «حقیقت»[۴] وغیره. براســاس این مفاهیم، محققــان به قواعدی برای اعتباریابی و اعتمادپذیری نتایج پژوهش‌های اســلامی دســت می‌یابند و بر این اســاس، علمیت یافته‌هــا مقبولیت می‌یابد. این موضوع می‌تواند در همهٔ علوم انســانی اســلامی همانند مدیریت اسلامی جاری باشد.

۱. صحت استناد به ظواهر کتاب و سنت در استنباط حکم شرعی.
۲. صحت بر دو نوع است؛ صحت حمل: صحت حمل لفظ بر یک معنا و صحت سلب: صحت سلب لفظ از یک معنا.
۳. اســتعمال نیز بر دو نوع است؛ استعمال حقیقی: به‌کارگیری لفظ در معنای موضوع له؛ استعمال شرعی: استعمال لفظ توسط شارع در معنایی متفاوت از معنای لغوی و عرفی.
۴. حقیقت: استعمال لفظ در معنای حقیقی آن؛ حقیقت شرعی: وضع لفظ برای معنای خاص توسط شارع.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

اعتباریابی و اعتمادسازی در مدیریت اسلامی

مطالعـــهٔ علوم طبیعی باید آزاد از ارزش‌ها باشـــد؛ درحالی‌که در مطالعهٔ علوم انســـانی، عواطف و ارزش‌ها نقش اساســـی ایفـــا می‌کنند (رووت، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴). یک کار پژوهشـــی در مدیریت که به‌وســـیلهٔ یک فرد انجام می‌شـــود، دربر دارندهٔ دیدگاه خودِ او دربارهٔ موضوع موردمطالعه است (گریزری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۹). مبانی اندیشـــه‌ای محقق، نظریه‌های علمی را شکل می‌دهد و بستر مناسبی برای فهم پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که عالمان اجتماعی در نظریه‌پردازی، بـــر قضاوت‌های مبتنی‌بر ارزش تکیه دارند (رووت، ۱۳۸۹: ص ۱۱۰)؛ بنابراین، ازنظر آنان، می‌توان در دانش مدیریت ملاک‌ها و معیارهای متناسب با ارزش‌های مورد قبول جامعه ارائه کرد. ازسوی دیگر، دیدگاه‌های مختلف در ارزیابی اعتباریابی و اعتمادسازی روش‌های کیفی نشان از آن دارند که نمی‌توان معیار یا ملاک مورد توافقی را شناسایی و تأیید کرد.

به هر میزان که بتوان، پایه‌های بنیادی تحقیق را براســـاس پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شـــده، استوار کرد، می‌توان به نتایج پژوهش اطمینان بیشـــتری داشـــت. پایش اعتباریابی و اعتمادسازی هم باید به‌صورت پیشـــینی در طول تحقیق مدنظر قرار گیرد و هم به‌صورت پســـینی در پایان تحقیق تحقق یابد. با مطالعهٔ دیدگاه‌های اندیشـــمندان به‌ویژه در رشـــتهٔ مدیریت، می‌توان به این موضوع رســـید کـــه مختصات و ابعاد روش‌های تحقیق را باید در دیدگاه‌های هستی‌شناســـانه و معرفت‌شناســـانه جســـت‌وجو کرد (گریزری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۶). بنیادهای فکری روش‌شناسی، برآمده از مطالعات بنیـــادی و زیربناهای فکری محقق اســـت. بنیادهـــای فکری همان‌گونه که می‌توانند پرســـش‌های روشنگر در روش تحقیق ارائه کنند، به همان میزان نیز می‌توانند پاسخ‌های ارائه‌شده را ارزیابی کرده و بپذیرند یا مردود بشمارند. پیش‌فرض‌هایی که جهان هستی را به‌صورت توحیدی نگریسته و رفتار انسانی را در سازمان، با محور معادباوری درنظر می‌گیرد، با پیش‌فرض‌های مادی که رفتار انسانی را با قطع نظر از ابعاد ملکوتی ساختار وجودی انسان، طراحی می‌کنند نتایج متفاوتی را در روش‌های تحقیق به‌کار گرفته و موردپسند قرار می‌دهند.

بر این اســـاس، شناســـایی اعتباریابی و اعتمادســـازی در روش‌های تحقیق مورد توجه دانش مدیریت اســـلامی، باید متناسب با مفروضات بنیادی آموزه‌های اسلامی باشد و در وزان آن‌ها قرار گیرد؛ به‌عبارت دیگر، ممکن است برخی از ملاک‌ها و معیارهای پذیرفته‌شده در ارزیابی روش‌های تحقیق مدیریت اســـلامی، در دیـــدگاه مدیریت چینی، مدیریت ژاپنـــی و مدیریت امریکایی مورد پذیرش قرار نگیـــرد؛ چنان‌که برخی از ملاک‌ها در ارزیابی علمیـــت روش‌های تحقیق مورد قبول فرهنگ‌های دیگر، در مدیریت اســـلامی پذیرفته نشود، برای ارائهٔ ملاک اعتباریابی و اعتمادپذیری

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

در روش‌های تحقیق نیازمند کنکاش در مبانی بنیادی هستی‌شـــناختی و معرفت‌شناختی هستیم تا براساس این پیش‌فرض‌ها بتوان قواعد مناســـبی برای روش تحقیق شناسایی کرد (شریفی، ۱۳۹۶: ص ۳۴)؛ چنان‌که برای ســـنجش آن‌ها نیز باید از پنجرهٔ این مبانی نگریست و صحت و سقم آن‌ها را پایش کرد.

این تحقیق درصدد اســـت بیـــان کند کـــه در پژوهش‌هـــای مدیریت اســـلامی اعتباریابی و اعتمادپذیری متکی بر پیش‌فرض‌های بنیادی اسلام، می‌تواند براساس چهار عنصر اساسی صورت گیرد؛ استناد دینی، انسجام و هماهنگی، مطابقت با واقعیت و کارآمدی. این چهار عنصر می‌توانند اعتباریابی و اعتمادپذیری را در مدیریت اسلامی نشان دهند. یعنی می‌توانند به تناسب پژوهش‌های اســـلامی، هم شاخص تکرارپذیری باشند و هم شـــاخص اطمینان‌آوری. با بررسی هر یک از این عناصر می‌توان ضمن درک مفهوم آن‌ها، ســـنجه‌های قابل پایش هر یک را نیز شـــناخت. سنجه به معنای سنگ ترازو است (فرهنگ غیاث‌اللغات، ج ۱: حرف سین) و در اینجا به معنای معیار و ابزار سنجش به‌کار رفته است؛ یعنی براساس سنجه‌ها می‌توان هر یک از عناصر را سنجید.

۱. استناد دینی

هنگامی که پژوهش در دانش مدیریت، دارای قید اسلامی است، شیوهٔ پژوهش باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان نتایج پژوهش را به اســـلام نسبت داد. منابع و روش استناد باید برگرفته از دین باشد. یکی از ابزارها برای اعتمادســـازی به یافته‌های پژوهش در آموزه‌های اسلامی، بررسی سندی و محتوایی منابع و برداشـــت‌هایی است که به دین نسبت داده می‌شود. برای نســـبت‌دادن یک گزاره به اسلام، اســـتناد دینی لازم است. استناد دینی یعنی یافته‌های اسلامی باید مبتنی‌بر منابع اصیل دینی (قرآن، سنت، و عقل) باشد؛ استناد دینی گاهی مستقیم است و گاهی غیرمستقیم. در استناد مستقیم برای بررســـی یک موضوع ممکن است به منابع مورد تأیید اســـلام مانند عقل، آیات قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) و اجماع استناد شود و براساس آن، به تأیید و یا رد موضوع پرداخته شود. به‌عنوان نمونه، در اســـتناد مستقیم، هنگامی که ازنظر اســـلام پیرامون کم‌فروشی سؤال می‌شود، به ســـورهٔ مطففین اشاره می‌شود که خداوند کم‌فروشـــی را گناه بزرگ می‌داند و آن را نکوهش می‌کند (مطففین: ۵ـ۱). گاهی نیز اســـتناد غیرمســـتقیم اســـت؛ در این موارد محقق تلاش می‌کند مفهوم موردنظر را از منابع و اســـتنادات دینی اســـتنباط کند. همانند هنگامی که محقق مدیریت اسلامی احکام شـــخصیت حقوقی سازمان را از احکام شـــخصیت حقیقی استنباط می‌کند. در منابع دینی به خصوصیات و شرایط احکام شـــخصیت حقیقی پرداخته‌اند؛ اما درخصوص شخصیت حقوقی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

(مانند مفهوم سازمان) مستندی وجود ندارد. محقق تلاش می‌کند با استفاده از تحلیل‌های عقلی و شواهد دینی، شخصیت حقوقی را از مفاهیم و ابعاد شخصیت حقیقی اثبات کرده و برای آن احکامی استنباط کند.

هنگامی‌که یافته‌ای به اسلام نسبت داده می‌شود، باید مستند و مستدل باشد. در آموزه‌های اسلامی، کسانی که بدون دلیل، موضوعی را به اسلام نسبت می‌دهند مورد مذمت قرار گرفته‌اند. «بگو: آیا روزی‌هایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده‌اید، که بعضی از آن را حلال و بعضی را حرام نموده‌اید؟! بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می‌بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می‌کنید)؟!» (یونس: ۵۹). اگرچه این آیه دربارهٔ احکام فردی (خوردنی‌های و نوشیدنی‌ها) است، ولی معیار مذکور عام است؛ یعنی در هر مورد که انسان‌ها ازسوی خود، حکمی صادر کرده و آن را به خدا نسبت دهند، شایستهٔ مذمت‌اند. ضرورت استناد دینی، ناشی از این مبناست که مسلمانان ربوبیت تشریعی خداوند را پذیرفته‌اند؛ بنابراین، تنها خداوند است که سزاوار قانون‌گذاری برای انسان است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ص ۵۸).

بنابراین، اعتباریابی و اعتمادپذیری در پژوهش‌های مدیریت اسلامی همراه استنادات دینی است. گزاره‌های مستند به منابع اسلامی بیان‌کنندهٔ حقیقت بوده و معتبر است؛ ازاین‌رو، محققان مدیریت اسلامی باید برای کسب اعتماد در یافته‌های پژوهشی، به بررسی اسناد (قرآنی و روایی) ازنظر شکلی و محتوایی بپردازند تا اطمینان حاصل کنند که برداشت‌های دینی آنان صحیح است.

ازنظر شکلی، انتساب قرآن به کلام‌الله، جای شک و تردیدی نیست؛ هرچند نسبت‌دادن موضوعات مدیریت اسلامی به آیات قرآن نیازمند مستندات عقلی یا روایی است؛ اما بررسی روایات معصومین (علیهم‌السلام) و بررسی صحت انتساب به معصومین (علیهم‌السلام)، امری تخصصی بوده و نیازمند بررسی کارشناسانه است. همچنین، فهم محتوایی آیات و روایات و درک مناسب از مفاهیم و مضامین وحی و معصومین (علیهم‌السلام) نیز با دقت و وسواس صورت می‌گیرد. بدین جهت، اندیشمندان از دانش‌هایی نظیر رجال، درایه، فلسفه، کلام، اصول فقه (مباحث الفاظ) و منطق برای فهم دقیق محتوایی استفاده می‌کنند.[1]

به منظور اطمینان از صحت استناد دینی در دستاوردهای مدیریت اسلامی، می‌توان چند ملاک یا سنجه را شناسایی کرد و براساس این سنجه‌ها، می‌توان صحت و قوت استناد دینی را در مدیریت اسلامی شناسایی کرد.

۱. خوشبختانه، با توسعهٔ فناوری‌های دیجیتال، نرم‌افزارهایی برای بررسی صحت و سقم روایات تدوین شده و در دسترس است. مانند نرم‌افزارهای درایةالنور، جامع‌الاحادیث، معجم موضوعی بحارالانوار، رجال شیعه، وغیره.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

سنجهٔ اول: متکی به دلیل شرعی

مطالعات مدیریت اســلامی با استناد دینی معتبر خواهند بود. این استنباط‌ها، نیازمند دلیل هستند. صحت اســتناد دینی را با ســنجهٔ دلیل لفظی یا دلیل عقلی می‌توان ســنجید. در علم اصول فقه که شــیوه‌های استنباط احکام شرعی را تشریح می‌کند، بیان شده که دلیلی که براساس یکی از اوصاف الفاظ، مانند عموم، اطلاق، تقیید، حقیقت، مجاز وغیره اســتنباط شود، دلیل لفظی یا نقلی شمرده می‌شود. اگر بخواهیم در تبیین و توصیف «برنامه‌ریزی» آن را به روایت امیرالمومنین (علیه‌السلام) که فرمودند: «اَلتَّدْبِیرُ قَبْلَ اَلْعَمَلِ یُؤْمِنُ اَلْعِثَار»: «برنامه‌ریزی پیش از اقدام، سبب ایمنی از پشیمانی است» مســتند کنیم، لازم اســت دلالت این روایت بر مفهوم برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گیرد. واژگان این روایت ازنظر اوصاف لفظی مورد مداقه قرار می‌گیرد و درصورت تأیید، می‌توان اهمیت و جایگاه برنامه‌ریزی در مدیریت اســلامی را به این روایت مستند کرد. چنان‌که گاهی ادراک عقلی مستند حکم شرعی قرار می‌گیرد. هنگامی که بین احکام شرعی و احکام عقلی تزاحم یافت می‌شود، در این حالت از دلیل عقلی استفاده می‌شود. استنباط‌های عقلی نیز سنجه‌ای برای استنادهای دینی محسوب می‌شوند؛ ازاین‌رو، گفته می‌شود حکم عقلی دلیل شرعی است.

بنابراین، به منظور اعتباریابی و اعتمادســازی یافته‌های مدیریت اســلامی نیازمند استناد دینی هستیم (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵) و استناد دینی می‌تواند براساس میزان اتکا به ادلهٔ شــرعی شناســایی شود. به هر میزان که استنباط‌های انجام‌شــده از ادلهٔ عقلی یا لفظی بیشتر بهره‌مند باشند؛ اطمینان از مستندبودن دینی آن‌ها افزایش می‌یابد.

سنجهٔ دوم: سازگاری با دیدگاه اندیشمندان اسلامی

اســتنباط‌های مدیریتی از آموزه‌های اســلامی نباید با دیدگاه‌های اندیشــمندان و علمای اسلامی مخالفت داشته باشــد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۱۲۸). ازآنجاکه علمای اسلامی شهیر (همانند مراجع تقلید یا مفســران بزرگ قرآن)، با تکیه بر منابع اصیل اســلامی ســخن گفته و فتوا می‌دهند و کلام آن‌ها مبتنی‌بر چهارچوب‌های پذیرفته‌شــدهٔ اسلامی است، می‌تواند سنجه‌ای برای صحت استناد دینی محسوب شود. تبیین این موضوع در دانش اصول فقه با عناوین شهرت،[1] سیرهٔ متشرعه،[2]

۱. شــهرت در لغت به معنای شایع‌شــدن و رواج‌یافتن یک امر اســت و در اصطلاح فقها و محدثان سه قسم است: شهرت روایی، شهرت عملی و شهرت فتوایی.

۲. ســیرهٔ متشرعه یا سیرهٔ اسلامیه عبارت اســت از بنای عملی مسلمانان بر انجام کاری یا ترک کاری که این سیره از اسلام نشئت گرفته باشد نه از عام.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

بناء عقلا[1] مطرح شده است. ازسوی دیگر، هنگامی که یافتهٔ محقق مدیریت اسلامی، با دیدگاه‌ها و نظریات علمای اســلامی که براساس اجتهاد به‌دست آمده است هماهنگ و سازگار باشد، اطمینان بیشــتری پیدا خواهد شد که این یافتهٔ مدیریت اســلامی از صحت و سلامت برخوردار است و بر این اســاس، اعتباریابی و اعتمادپذیری بهتری به‌دست می‌آید. محققان مدیریت اسلامی هنگامی که یافتهٔ جدیدی را استنباط کردند و آن را در تقابل با یافته‌های علمای اسلامی دیدند از نسبت‌دادن یافتهٔ مدیریتی به اسلام خودداری می‌کنند. نظیر چنین کاری اکنون در بررسی قوانین مجلس توسط فقهای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.

۲. انسجام و هماهنگی

آموزه‌های دین اسلام، اعم از عقاید، احکام و اخلاق، مجموعه‌ای منسجم با هدف کسب سعادت انســانی است. گزاره‌ها و دســتورات استنباط‌شــده نیز باید تحقق این هدف را دنبال کنند. یعنی با یکدیگــر در تعارض و تضاد نباشــند، بلکه تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشــند. گزاره‌های ناســازگار با آموزه‌های بنیادی اســلام، به‌عنوان گزاره‌های اسلامی پذیرفته نمی‌شود. نظام مدیریتی اسلام نیز بر همین منوال باید انســجام داشته و نظام‌مند باشــد (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۴). انســجام و نظام‌یافتگی در یافته‌های مدیریت اســلامی هم باید درون‌سیستمی باشد و هم برون‌سیســتمی. یعنی همهٔ گزاره‌های مدیریتی اسلام در درون سیستم باید با هم هماهنگ و سازگار باشــد و هیچ گزاره‌ای نباید با گزارهٔ دیگر ناسازگار باشد. همخوانی و نظام‌یافتگی بین گزاره‌های یک دانش بیانگر توانمندی و اتقان آن دانش خواهد بود. چنان‌که مجموعهٔ سیســتم با زیربنای آن (یعنی مبانی فلســفی و فکری)، باید همخوانی و سازگاری داشته باشد. یعنی گزاره‌های مدیریت اسلامی، برآمده از مبانی فلســفی و فکری اسلام باشند. این ســازگاری نشانهٔ این است که با سایر نظام‌های فردی و اجتماعی اسلام نیز، سازگاری وجود دارد.

نظام‌های دانشــی هنگامی که بر یک زیربنا استوار باشــند، یک هدف اساسی را دنبال خواهند کرد. قرآن کریم به‌عنوان اساســی‌ترین منبع اســلامی، مهم‌ترین دلیل بر حقانیت و درســتی خود را عدم اختلاف و تعــارض در آیات خود می‌داند و می‌فرماید: آیا دربارهٔ قرآن نمی‌اندیشــند؟! اگر ازسوی غیرخدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند (نساء: ۸۲). این آیهٔ قرآن انسجام و هماهنگی بین آیات قرآن را دلیل بر حقانیت و درســتی خود می‌داند.[2] شــبیه این موضوع نسبت‌به آموزه‌های

۱. بناء عقلا یا سیرهٔ عقلانیه عبارت است از بنای عملی همهٔ عقلای عالم بر پذیرش یا عدم پذیرش امری.
۲. برای مطالعهٔ بیشتر به ترجمهٔ تفسیرالمیزان، ج ۱: ص ۱۰۲ مراجعه کنید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

دیگر شریعت اسلام هم هســت. همان‌طور که آیات قرآن کریم دارای انسجام بوده و از هماهنگی برخوردار است، آموزه‌های اسلامی نیز دارای هماهنگی و انسجام است؛ بنابراین، هر یافتهٔ مدیریتی را که به اســلام نسبت می‌دهیم نباید با آموزه‌های دیگر اسلام ناسازگار باشد. اگر یافته‌های تحقیقی مدیریت اســلامی با گزاره‌های اسلامی ناهماهنگ و ناسازگار باشــد، نباید آن‌ها را پذیرفت.[1] البته ممکن اســت در استنباط‌های اسلامی در نگاه اولی و سطحی با ناســازگاری مواجه شویم. به این منظور باید با استفاده از سنجه‌های انسجام، آن‌ها را محک زد و سره را از ناسره بازشناخت.

سنجهٔ اول: سازگاری با فطرت انسانی

یکی از سنجه‌های نظام‌یافتگی گزاره‌های مدیریت اسلامی سازگاری با فطرت انسانی است. مبنای دستورات خداوند، سازگاری با فطرت انسانی است. خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْــرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّــاسَ عَلَیها» (روم: ۳۰). پس روی خــود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی اســت که خداوند انســان‌ها را بر آن آفریده است. در تفســیرالمیزان آمده است که تمامی احکام اسلام مطابق نظام جاری در تکوین، تشریع شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۳۳۳). یعنی نمی‌شود که یک گزاره به‌عنوان یافتهٔ مدیریت اسلامی، شناخته شود اما پذیرش فطری آن دشوار یا غیر قابل قبول باشد.

فطرت که همان بینش شــهودی انســان به هســتی محض، گرایش آگاهانه، کشش شاهدانه و پرســتش خاضعانه نسبت‌به حضرت اوست، نحوهٔ خاصی از آفرینش است که حقیقت آدمی به آن نحو سرشــته شده و جان انسانی به آن شیوه خلق شده است. خاصیت امور فطری آن است که اولاً، مقتضای آفرینش انســان است و اکتسابی نیست؛ ثانیاً، در عموم افراد وجود دارد و همهٔ انسان‌ها از آن برخوردارند؛ ثالثاً، تبدیل یا تحویل‌پذیر نیســت گرچه شدت و ضعف می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص۷). هر گزارهٔ استنباط‌شده از منابع اسلامی را می‌توان با محک فطرت انسانی پایش کرد تا میزان سازگاری و انسجام آن را با آموزه‌های اسلامی شناسایی کرد. هنگامی‌که مدیران پاک‌سرشت مرتکب دروغ‌گویی یا ظلم شــوند، احساس شــرم و آزرده‌گی روحی پیدا می‌کنند. این نشان‌دهندهٔ فطرت اصیل و پاک انســانی است. دستاوردهای تحقیقات مدیریت اسلامی نیز بخشی از منظومهٔ فکری اجتماعی مسلمانان است و نیازمند هم‌سنخ‌بودن و سازگاری با فطرت انسانی است.

۱. در یافته‌هایی که در بین آموزه‌های اســلامی نظیر ندارند و نمی‌توان هماهنگی آن را با دیگر گزاره‌ها ارزیابی کرد، به همین میزان که در مخالفت و تضاد با دیگر گزاره‌ها نباشــد، قابل پذیرش است. مانند مسائلی که در طراحی ساختار سازمانی و انواع طراحی سازمانی ازنظر فقهی مطرح می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

سنجهٔ دوم: سازگاری با ضوابط و قواعد اسلامی

به منظور شناسایی نظام‌یافتگی مدیریت اسلامی، می‌توان یافته‌ها را براساس ضوابط اسلامی و قواعد اسلامی سنجش کرد. منظور از ضوابط اسلامی حاکم بر یک قلمرو یا حیطه، ارزش‌ها و هنجارهای نسبتاً عامی هستند که بر همهٔ مسائل دانش مدیریت حاکمیت دارند. همچون چتری می‌مانند که همهٔ جزئیات آن قلمرو را تحت پوشش دارند. قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی، آن دسته از هنجارها و ارزش‌های اسلامی است که همهٔ حوزه‌ها و قلمروهای زیست انسانی را پوشش می‌دهند و در همهٔ جزئیات و مصادیق زیستِ انسانی جریان دارند (شریفی، ۱۳۹۷: ص۱۷).

هنگامی‌که می‌خواهیم یافتهٔ مدیریت اسلامی را اعتباریابی کنیم تا اعتمادسازی صورت گیرد، باید از انسجام و هماهنگی آن با دیگر آموزه‌های اسلامی اطمینان حاصل کنیم. برای این منظور باید آن را با ضوابط اسلامی در مدیریت اسلامی مورد سنجش قرار داد. ضوابط اسلامی در مدیریت می‌تواند اهتمام به امور مسلمانان، اعتلای جامعهٔ اسلامی، بصیرت و دوراندیشی، مشورت‌دهی و مشورت‌گیری، مسئولیت‌پذیری و مانند این‌ها باشد (منطقی و شریفی، ۱۳۹۷: صص ۵۰ـ۴۹).

یافته‌های مطالعات مدیریت اسلامی باید با قواعد اسلامی نیز مورد سنجش قرار گیرند تا نسبت‌به انسجام و هماهنگی آن با آموزه‌های اسلامی اطمینان حاصل شود. ویژگی قواعد این است که در هر قلمرو و حیطه‌ای ممکن است به شکلی خاص نمودار شوند. به‌عنوان مثال، قاعده‌ای مثل «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (ر.ک.: مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۲۸-۱۱۰؛ ایروانی، ۱۴۲۶: صص ۱۶۹ـ۸۵) به قلمرو مسائل عبادی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اداری و امثال آن اختصاص ندارد، بلکه در همهٔ حوزه‌های زیست انسانی جریان دارد. قواعد حاکم بر زیست انسانی در مدیریت اسلامی می‌تواند «قاعدهٔ عدالت»، «قاعدهٔ مبارزه با ظلم»، «قاعدهٔ دفاع از مظلومان»، «قاعدهٔ خدمت به مسلمانان» باشد (منطقی و شریفی، ۱۳۹۷، صص ۵۱ـ۵۰). یافته‌های مدیریت اسلامی هنگامی که هماهنگ و سازگار با این قواعد باشد و هیچ‌کدام از آن‌ها را نقض نکند، دارای اعتباریابی و اعتمادسازی است.

در روش اجتهاد، هنگام مواجه‌شدن با ناسازگاری مفاهیم و دلالت‌های آیات و روایات، توصیه‌هایی برای بررسی این ناسازگاری مطرح شده است که در دانش مدیریت نیز کارایی دارد. به‌عنوان نمونه، هنگامی که دو گزارهٔ مدیریتی استنباط‌شده با یکدیگر ناسازگار بوده و از انسجام و هماهنگی برخوردار نبودند، قواعدی با عنوان تعارض، تزاحم وغیره مطرح می‌شود. این قواعد درصددند ناهماهنگی بین گزاره‌های استنباط‌شده را شناسایی کرده و سره را از ناسره جدا کنند. اگر ناهماهنگی گزاره‌های استنباط‌شده با این توصیه‌ها رفع نشود، نمی‌توان آن‌ها را به اسلام نسبت داد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

درصورت سازگاری و هماهنگی بین گزاره‌های استنباط‌شده با گزاره‌های بنیادی اسلام، می‌توان این اطمینان را داشت که اعتباریابی و اعتمادسازی به‌دست آمده است.

سنجهٔ سوم: سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلام

علوم انسانی مجموعه‌ای هدفمند از یک سیستم گسترده از آگاهی‌ها را تشکیل می‌دهد. دانش مدیریت یکی از اجزای این سیستم است. این سیستم بر مجموعه‌ای از دانش و پیش‌فرض‌ها به نام مبانی یا فلسفهٔ علم استوار است. نظام‌یافتگی علوم انسانی به اتکای پیش‌فرض‌های بنیادی است. تولید یا بازتولید و یا بازسازی یک علم از علوم انسانی همانند مدیریت، یک فرایند آگاهانه است که نیازمند همخوانی با دیگر اجزای آن را دارد. گزاره‌های بنیادین، چهارچوب‌ها و حد و مرز این فرایند و نتایج آن را بنیان نهاده‌اند.

دانش مدیریت بر پایه و محور گزاره‌های بنیادین بالنده می‌شود. بوریل و مورگان می‌گویند: ادعای محوری ما این است که «تمام نظریه‌های سازمان بر فلسفه‌ای از علم و نظریه‌ای از جامعه مبتنی است». یعنی علوم اجتماعی براساس چهار مجموعه از پیش‌فرض‌ها بنا شده است که عبارت‌اند از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی، و انسان‌شناسی (بوریل و مورگان، ۱۳۸۳: ص ۱۰). نظریه‌ها و گزاره‌های مدیریت براساس این محورها شناسایی و پذیرش می‌شوند. مبانی علوم انسانی نقش مهندسی دانش مدیریت را بر عهده دارند. گزاره‌های ناهمخوان با این طرح مهندسی، در چهارچوب و حدود این دانش قرار نگرفته و از انسجام و هماهنگی برخوردار نیستند. بر همین اساس، از اعتبار لازم برخوردار نبوده و قابل اعتماد نیست.

در علوم انسانی اسلامی نیز پیش‌فرض‌های متعددی وجود دارد که چهارچوب این علوم را نظم می‌بخشد. مبانی و پیش‌فرض‌هایی همچون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، مبانی الهیاتی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی (برای مطالعهٔ بیشتر ر. ک.: مصباح یزدی، ۱۳۸۰) و ارزش‌شناختی. این مبانی در دانش‌های بنیادی بررسی شده و اثبات شده‌اند و دانش مدیریت از آن‌ها بهره می‌برد و پیش‌فرض‌های متناسب و کاربردی برای دانش مدیریت اسلامی طراحی می‌شود. بر همین اساس نیز برای اعتباریابی و اعتمادسازی، در گزارهٔ مدیریت اسلامی، برای شناسایی انسجام و هماهنگی می‌توان از سنجهٔ همخوانی و سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلامی سود جست؛ ازاین‌رو، در مدیریت اسلامی، مفاهیمی مانند شانس یا اتکای زیاد و قطعی بر برنامه‌ریزی، به دلیل ناسازگاری

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

با مفاهیم بنیادی هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی مانند ربوبیت تکوینی[1] ناسازگار تلقی شده و مورد اعتنا نیستند.

۳. مطابقت با واقعیت

یکی از اهداف مهم به‌کارگیری اعتباریابی و اعتمادسازی در پژوهش‌های کمّی، شناسایی میزان تطابق یافته‌های پژوهش با واقعیت است. این موضوع در مبانی معرفت‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفته است و با عنوان «معیار صدق» درخصوص آن مطالعات گسترده‌ای انجام شده است. از ارسطو نقل شده است که صدق یعنی اینکه دربارهٔ «آنچه هست» بگوییم «هست» و دربارهٔ «آنچه نیست» بگوییم «نیست» (ارسطو، ۱۳۷۸: ص ۳۲). منظور از صدق یا کذب، مطابقت داشتن یا نداشتن علم حصولی با واقع است. همان‌گونه که معادلات ریاضی و نسبت‌های هندسی درصورتی که با روابط ریاضی و هندسی مطابقت داشت صادق‌اند، یک گزارهٔ مدیریتی یا سازمانی، درصورت تطبیق با واقعیت، صادق است و درصورت عدم تطابق، کاذب و ناصحیح تلقی می‌شود. نتایج تحقیق گاه صادق است که آن را حقیقت نیز می‌گویند و گاه حقیقت نیست که آن را «خطا» می‌نامند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۱: ص ۹۹) در پژوهش‌های کیفی محققان اسلامی به دنبال مطابقت یافته‌های تحقیق خود با واقعیت و نفس‌الامر هستند تا صادق بودن آن را به‌دست آورند. البته روشن است که واقعیت و نفس‌الامر در هر موضوعی به تناسب آن شکل می‌گیرد (سلیمانی امیری، ۱۳۹۵: ص ۴۱).

اعتباریابی و اعتمادسازی دستاوردهای مدیریت اسلامی باید حکایت‌کنندهٔ واقعیت باشد. اگر دستاورد مدیریت اسلامی با حقیقت و نفس‌الامر فاصله داشته باشد، توهمی و غیرواقعی تلقی می‌شود. هنگامی که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) از مردم پرسید چه چیزی می‌پرستید؟ آنان ستاره، ماه، و خورشید را یکی‌یکی نشان می‌دادند؛ اما حضرت آن‌ها را با این واقعیت آشنا کرد که معبود قابل پرستش موجودی است که هیچ‌گاه افول نکند و غایب نباشد (انعام: ۷۹ـ۷۵). واقعیت خداوند اشراف بر همهٔ بندگان در همهٔ زمان‌هاست. موجودی که چنین ویژگی‌ای را ندارد، صلاحیت و شایستگی پرستش را ندارد؛ درواقع حضرت اعتبار معبود آنان را خدشه‌دار کرد و به آنان فهماند که یافتهٔ آنان با واقعیت سازگاری ندارد؛ بنابراین، اعتماد آنان به خدای توهمی ازبین رفت و خدای واقعی به آنان نمایانده شد.

۱. توحید در ربوبیت تکوینی یعنی اعتقاد به اینکه تنها خداوندْ مدبر و کارگردان جهان است و هیچ‌کس بدون اذن و ارادهٔ الهی نمی‌تواند کوچک‌ترین تأثیری در جهان هستی داشته باشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

گزارهٔ مدیریتی آنگاه ارزش اعتباریابی و اعتمادسازی دارد که بیان‌کنندهٔ واقعیت باشد و بتواند حقیقت سازمان را برای محقق توصیف کرده یا راهکاری برای تغییر و تحول ارائه کند و خیالی یا وهمی نباشد؛ بنابراین، هرگاه یافته‌های پژوهشی در مدیریت اسلامی با واقعیت مطابقت نداشت، از درجهٔ اعتبار علمی ساقط بوده و قابل اطمینان نیست.

سنجه‌های مطابقت با واقعیت

دانش مدیریت اسلامی با واقعیات متعددی مواجه است. برخی از گزاره‌ها جنبهٔ عینی داشته و می‌توان مصادیق آن را مشاهده کرد و برخی دیگر، قابل مشاهدهٔ عینی نیستند. هر کدام از آن‌ها از ابزار یا شیوهٔ خاص خود برای تطابق با واقعیت بهره‌مندند. واقعیت نفس‌الامری را می‌توان در سه حالت مورد مطالعه و سنجش قرار داد.

الف- «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های مبتنی‌بر متافیزیک: برخی از یافته‌های مدیریت اسلامی بیان‌کنندهٔ واقعیت متافیزیکی است. مانند مفهوم «ارادهٔ خداوند در تمشیت امور سازمان». ارادهٔ خداوند یعنی هر آنچه بخواهد در عالم واقع به وقوع بپیوندد باید متعلق خواست خداوند باشد؛ چنان‌که امیرالمومنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِه»؛ «هر چیزی به ارادهٔ او به‌پا داشته می‌شود» (نهج‌البلاغه: خطبهٔ ۱۰۹). یعنی مدیران سازمان‌ها می‌دانند که برنامه‌ها و تصمیمات آنان هنگامی تحقق می‌یابند که خواست و ارادهٔ الهی نیز به آن تعلق بگیرد. مدیران در ادارهٔ سازمان خود را همه‌کاره نمی‌دانند و هم‌زمان که به برنامه‌ریزی و تمهید امکانات و منابع انسانی برای پیشبرد کارها مشغول هستند، اگر از خداوند نیز درخواست دارند که ارادهٔ او نیز به انجام این کار تعلق بگیرد، این یک مفهوم مدیریت اسلامی است که تطبیق آن با واقعیت، متناسب با مفاهیم متافیزیکی است و وابسته به اعتقاد و ایمان قلبی است. به هر میزان که مدیران از ایمان و اعتقاد بیشتری برخوردار باشند، باورپذیری آنان از مفهوم ارادهٔ الهی و مفاهیم مشابه در متافیزیک بیشتر است. سنجهٔ «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های متافیزیکی به‌صورت شهودی و قلبی رخ می‌دهد. همانند اعتقاد به وجود قیامت و بررسی اعمال در آخرت و اعطای پاداش و اعمال تنبیه براساس عملکرد.

ب- «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های تجربی، با ابزارهای حسی قابل تجربه است. مانند اعتقاد به وجود خورشید، ماه، وغیره در پیرامون خود. این اعتقاد با ابزارهای حسی تأیید می‌شود. در دانش مدیریت اسلامی نیز می‌توان گزاره‌های فراوانی یافت که قابل اثبات از طریق تجربهٔ حسی هستند. مثلاً از این روایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که فرمودند: هر که از پیش به استقبال کارها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

رود بینا شـــود و هر که به آن‌ها پشت کند و آماده نشـــود سرگردان می‌شود،[1] «ضرورت پیش‌بینی در کارها» استفاده می‌شود و می‌توان تطابق آن را با واقعیت براساس تجربه و تفکر درک کرد.

ج- «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های منطقی و ریاضی «امور ذهنی و انتزاعی» است. تطبیق این‌گونه گزاره‌ها با واقعیت همانند توان ذهن در تحلیل مســـائل سیاسی و اجتماعی، یا قدرت ذهن در تقسیم اعداد به مَقسم‌های متعدد، به‌صورت ذهنی و عقلی است. در یافته‌های مدیریت اسلامی نیز می‌توان گزاره‌هایی را یافت که دارای چنین خصوصیاتی هستند و با تبیین رابطه بین اجزای آن‌ها، واقعیت آن‌ها براساس استدلال قابل اثبات بوده و تردیدناپذیر می‌شوند.

همان‌گونه که در مطالعات رفتار ســـازمانی از فرمایش امیرالمؤمنین (علیه‌الســـلام) اســـتفاده می‌شود که فرمودند: «هر که به سزا یقین داشته باشد، جز کار خوب برنمی‌گزیند» (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۸٦٦٦)؛ واقعیـــت این موضوع اســـتدلال‌پذیر بوده و قابل پذیرش اســـت؛ بنابراین، «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های منطقی و ریاضی همان حقیقت اســـتدلال‌پذیر است و براساس یافته‌های تحلیلی می‌توان پذیرفت سنجهٔ این موارد معیارهای منطقی و ریاضی است.

۴. کارآمدی

کارآمدی، یکی از عوامل و شاخص‌های اعتباریابی و اعتمادسازی است. مهم‌ترین هدف شریعت مقدس اســـلام، ایجاد تحول و دگرگونی در رفتار و کسب ســـعادت برای انسان است. کارآمدی در مدیریت به معنای درجه یا میزانی اســـت که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی‌شده دست یابد (فرنج، ۱۳۷۱: ص ۲۱۱). منظور از کارآمدی قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف مشخص و از پیش تعیین‌شده اســـت. کارآمدی بیان‌کنندهٔ میزان اثربخشی، کارایی (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۵) و قابلیت برای دســـت‌یافتن به هدف است. کارآمدی را در هر سیستمی متناسب با اهداف ترسیم‌شده در آن سیستم مشخص می‌کنند (شبان‌نیا، ۱۳۹۵: ص ۲۳۱).

امتیاز اسلام نسبت‌به ادیان موجود کارآمدی اســـت. یعنی توصیه‌ها و برنامه‌های آن در زندگی دنیوی و اخروی، هدف‌گذاری شـــده و تأثیر ارزشـــمندی در سعادت انســـان درپی خواهد داشت (فتحعلی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۲). هر یک از برنامه‌های اســـلامی توان دگرگونی و پیشـــرفت در مسیر کمال را داراســـت. گزاره‌های تولیدشـــده با روش مدیریت اسلامی باید بتواند به حل مسائل زندگی کمک کند. طرح مباحث توهمی و عاری از تأثیر در ســـعادت انســـان و فاقد اثربخشی و کارایی در

۱. «اسْتَقْبَلَ الأُمُورَ أبْصَرَ، مَنِ اسْتَدْبَرَ الأُمُورَ تَحَيَّرَ» (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۲۶۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

هدف، فاقد کارآمدی اســت. برای کارآمدی دستاوردهای مدیریت اسلامی، می‌توان چند ملاک یا سنجه را شناسایی کرد و بر اساس این سنجه‌ها، کارآمدی را پایش کرد.

سنجهٔ اول: حل مسائل واقعی زندگی

زندگی دنیوی و تأمین نیازهای مادی، هرچند هدف اصلی دین نیســت، اما دینی که دنیا را به‌منزلهٔ پلی برای رسیدن به سعادت اخروی می‌داند، نمی‌تواند نسبت‌به این نیازها بی‌تفاوت باشد؛ بنابراین، پرداختــن به امور دنیــوی، هدف ثانوی دین اســت (جوادی‌آملــی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۴). ازآنجاکه مســلمانان حقانیت دین اســلام را پذیرفته‌اند و معتقدند که اســلام می‌تواند در زندگی دنیویی و آخروی آنان تأثیر داشته باشد، آنان اثر این اعتقاد را در زندگی شخصی و سازمانی می‌بینند.

آموزه‌های معتبر اســلامی راه‌گشــای معضلات بنیادی زندگی اســت. بدین‌معنا که مسلمانان هنگامی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی هســتند، می‌توانند مصائب و مشکلات زندگی خود را به شــیوهٔ کارآمد تحلیل کنند و در این مسیر به بن‌بست نمی‌رسند. فقدان مجموعه‌ای منسجم از تفکر جهان‌بینی ممکن اســت فرد را در هنگام مواجهه با مشــکلات زندگی، چنان غرق کند که دست به خودکشی زده و یا حاضر باشد به منافع دیگران لطمه بزند.

سنجهٔ حل مســائل زندگی به این معنا نیســت که برای اعتباریابی و اعتمادسازی یک پژوهش مدیریت اسلامی باید به انتظار پایان عملیات و دریافت بازخورد نشست تا بعد از دریافت نتیجه آن پژوهش را ارزیابی کرد، بلکه این ســنجه یک باور پیشینی است؛ بدان‌معنا که محقق باید عناصری را در تحقیق لحاظ کند که به کارآمدی منجر شــود و فایدهٔ عملی داشــته باشد (توسلی و سعدی، ۱۳۹۴: ص ۸۷). هنگامی که هدف‌گذاری یک پژوهش حل مســائل واقعی زندگی باشد، این باور پیشــینی می‌تواند مؤلفه‌های تحقیق را به‌سمت کارآمدی ســوق دهد. به‌عنوان نمونه، پژوهش‌های مدیریت اســلامی باید بتوانند از اصول اخلاق اســلامی پشتیبانی مناســب کرده و در معنابخشی آن‌ها مؤثر باشند. یک پژوهش مدیریت اسلامی باید تقویت‌کنندهٔ عدالت سازمانی، تقبیح ظلم به کارکنان، مذمت‌کنندهٔ کم‌کاری وغیره باشد تا بتوان گفت که به مسائل واقعی زندگی پرداخته است. براســاس این سنجه می‌توان برخی از پژوهش‌های رفتار سازمانی که به‌دنبال حل مسائل سازمان به شکل نادرست و غیرمعمول و خلاف اخلاق هستند را ناکارآمد دانست.[1]

۱. مانند پژوهش‌هایی که برای موفقیت در مذاکره و نفوذ از عنصر زن بدکار و یا اعطای رشوه استفاده می‌کنند:
Dooley, Roger 2012, Female Flirting: Sound Business Strategy, Better business through behavioral science.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

سنجهٔ دوم: تصریح نص معتبر

هنگامی‌که در آیه یا روایتی نسبت‌به یک موضوعی تصریح می‌شود و یا بر مفهوم مشخصی دلالت صریحی وجود دارد، عمل بر طبق آن لازم و مفید است. منظور از دلالت صریح، راهنمایی مستقیم و قطعی لفظ به مفهوم و معنای روشن است. این دلالت به‌گونه‌ای روشن است که نیاز به هیچ قرینه‌ای نیست. هنگامی که قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!... (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!» (مائده: ۲)، به‌طور صریح برای مدیران و کارکنان این پیام را دارد که نه‌تنها نباید مرتکب گناه و تعدی شوند، بلکه نباید در تولیدات و خدمات خود، به گناهکاران و تعدی‌کنندگان یاری رسانند، صراحت این آیه به‌گونه‌ای واضح است که در مفهوم آن تردیدی وجود ندارد. در مطالعات مدیریت اسلامی باید تلاش شود که یافته‌ها با نصوص معتبر هماهنگ باشند تا بتوان از اعتباریابی و اعتمادسازی آن اطمینان حاصل کرد.

سنجهٔ سوم: کشف ملاک

با بررسی برخی از متون دینی که پیرامون یک موضوع مطرح شده است، می‌توان قواعد و ملاک‌هایی را استخراج کرد. این قواعد و ملاک‌ها زمینهٔ توسعهٔ مفهومی را ایجاد می‌کنند. گاهی یک سند معتبر دینی حکمی را درخصوص یک موضوع بیان می‌کند که با رعایت قواعد مطرح در دانش اصول فقه می‌توان از آن یک قاعده و مناطی را کشف کرد. این قاعده می‌تواند در موضوعات دیگر نیز مورد عمل قرار گیرد. در سنجهٔ دوم از دلالت روشن و صریح لفظ، یک قاعده استخراج می‌شد؛ اما در سنجهٔ سوم با تحلیل لفظ و الغای خصوصیت، یک قاعده استنباط می‌شود. با شناسایی و تحلیل موضوع می‌توان قاعده استنباط کرد (علیدوست، ۱۳۸۸: ص ۴۸۰). اگر چنین قواعدی در چهارچوب پذیرفته‌شدهٔ دینی باشد، می‌تواند معیاری برای کارآمدی باشد و اعتباریابی و اعتمادسازی پژوهش را نشان دهد.

هنگامی که خداوند می‌فرماید: «و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو» (اسراء: ۲۳)، از فحوای این آیه به‌ویژه جملهٔ «فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ»، یک قاعده کشف می‌شود که نباید به پدر و مادر بی‌احترامی کرد و بر همین اساس، ضرب و جرح آن‌ها گناهی نابخشودنی است. چون این برداشت براساس قاعده و مناطی است که از تحلیل آیه به‌دست‌آمده، دارای کارآمدی است. مشابه این تحلیل نیز در استنباط شخصیت حقوقی از شخصیت حقیقی در مطالعات سازمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر یافته‌های پژوهش مدیریت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

اســـلامی با ملاک‌های کشف‌شـــده در احکام و دســـتورات دینی سازگاری داشـــته باشد،[1] می‌توان نسبت‌به کارآمدی این پژوهش اطمینان داشت و اعتباریابی و اعتمادسازی آن‌ها را پذیرفت.

سنجهٔ چهارم: ارزیابی عملی

کارآمدی یک گزارهٔ استنباط‌شده در مدیریت اسلامی را می‌توان با سنجهٔ ارزیابی عملی اندیشمندان اسلامی شناسایی کرد. این بدان معناست که اگر یک گزارهٔ مدیریت اسلامی مورد عمل اندیشمندان اسلامی قرار گرفت یا اگر به آنان عرضه شد و با آن مخالفت نکردند، این گزارهٔ استنباط‌شدهٔ مدیریت اســـلامی کارآمد بوده و می‌تواند در ترویج دین به‌کار گرفته شـــود. به‌عبارت دیگر، می‌توان آن را به اسلام نســـبت داد و آن را اسلامی دانست. این ســـنجه از فحوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل اســـتنباط اســـت. قانون اساسی، در اصل ســـوم، به موضوع کارآمدی حکومت اسلامی در عرصه‌هـــای مختلف پرداخته و در اصول متعدد بر اســـلامیت حکومت و قانون تأکید می‌کند.[2] هنگامی‌که سخن از اســـلامی بودن و نبودن قوانین در جمهوری اسلامی می‌شود، از همین راهکار اســـتفاده می‌کند. یعنی قوانین مصـــوب مجلس هنگامی که مورد مخالفت فقها و اسلام‌شناســـان شورای محترم نگهبان قرار نگیرد، اسلامی تلقی می‌شود.[3]

مدیران ســـازمان‌ها نیز می‌توانند علاوه‌بر اقتباس از عملکرد عالمان دینی، برای تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های ســـازمانی، مقررات و آیین‌نامه‌های خود را با کارشناسان دینی در میان بگذارند تا آنان براســـاس منظومهٔ فکری و علمی فراگرفته از آموزه‌های اسلامی، ناسازگاری آن‌ها را تشخیص دهند و موارد ناروای آن را معین کنند. اگر یافته‌های پژوهش با اندیشـــهٔ علمای دین ناســـازگاری داشت، فاقد اعتبار اســـت و کارآمدی ندارد و بر همین اساس، توانایی اعتباریابی و اعتمادسازی را نخواهد داشـــت. این سنجه در سیرهٔ علما و دانشـــمندان حوزه‌ای متداول است. آنان هنگامی که یک حکم شرعی را استنباط می‌کنند، می‌نگرند که یافته‌های فقهی آنان خلاف نظر مشهور یا برخلاف اجماع نباشد. پژوهشـــگران مدیریت اسلامی نیز بر همین اساس، این سنجه را در استنباط‌های خود مورد توجه قرار می‌دهند.

۱. باید توجه داشـــت که در کشـــف ملاک، محقق نباید گرفتار قیاس نامطلوب و غیرشرعی شود. قیاس اقسامی دارد: قیاس اولویت، قیاس منصوص العله، قیاس تنقیح مناط، و قیاس مستنبط العله. سه قسم اول دارای اعتبار شرعی است ولی قسم اخیر در فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) غیر قابل قبول است.
۲. مانند اصل دوم، اصل چهارم، اصل هفتادودوم.
۳. اصل نودویکم قانون اساسی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

نتیجه‌گیری

۱. در پژوهش‌هـــای علوم انســـانی، محققان برای اثبات درســـتی یافته‌های پژوهـــش، از ابزارهای روایی و پایایی اســـتفاده می‌کنند تا بیان کنند که روش به‌کار گرفته‌شده در تحقیق همان چیزی را اندازه‌گیری کرده که آن‌ها بایـــد اندازه‌گیری می‌کردند (روایی) و همچنین، درجهٔ ثبات و قابلیت پیش‌بینـــی نتایج تحقیق را نیز بیان کنند (پایایی). این شـــیوه در پژوهش‌های اثباتی و تحقیقات تجربی از قدمت و مقبولیت برخوردار است.

۲. پژوهش‌های کیفی در علوم انســـانی نیز برای هماوردی با پژوهش‌های کمّی، تلاش کرده‌اند که از ابزارهایی برای اطمینان‌بخشـــی، نسبت‌به نتایج خود بهره‌مند شـــوند. در این زمینه، برخی از همان مفاهیم متداول در پژوهش‌های کمّی اســـتفاده کرده‌انـــد و برخی دیگر، مفاهیم دیگری را تولید کرده‌اند.

۳. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در مدیریت اسلامی، براساس پژوهش‌های کیفی صورت می‌گیرد. متناسب با آموزه‌های اسلامی و دانش مدیریت، مناسب است که نسبت‌به ابزارهای اطمینان‌بخش پژوهشـــی مطالعه صورت گیرد. این پژوهش تـــلاش دارد که در این زمینه راهکار و ابزاری را در اختیار محققان مدیریت اسلامی قرار دهد.

۴. در ایـــن پژوهش به منظور اعتباریابی (روایی) و اعتمادپذیری (پایایی)، چهار عنصر شناســـایی شـــده‌اند که عبارت‌اند از: استناد دینی، انســـجام و هماهنگی، مطابقت با واقعیت و کارآمدی. برای هر یک از این عناصر چند سنجه نیز با نمونه‌هایی از مدیریت اسلامی بیان شد.

جدول ۱ - عناصر اعتباریابی و اعتمادسازی و سنجه‌های آن

ردیف	عناصر اصلی اعتباریابی و اعتمادسازی	سنجه‌ها
۱	استناد دینی	متکی به دلیل شرعی
		سازگار با دیدگاه اندیشمندان اسلامی
۲	انسجام و هماهنگی	سازگاری با فطرت انسانی
		سازگاری با ضوابط و قواعد اسلامی
		سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلام
۳	مطابقت با واقعیت	متناسب با گزاره‌های مبتنی‌بر متافیزیک
		متناسب با گزاره‌های تجربی
		متناسب با گزاره‌های منطقی و ریاضی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

۴	کارآمدی	حل مسائل واقعی زندگی
		تصریح نص معتبر
		کشف ملاک
		ارزیابی عملی

۵. اســتناد دینی اولین عنصری اســت که اعتباریابی و اعتمادســازی را شناسایی می‌کند و به معنای اتکای یافته‌های مدیریت اســلامی بر آموزه‌های اصیل اســلامی است که با دو سنجه قابل پایش اســت: اتکا به دلیل شرعی و ســازگاری با دیدگاه اندیشمندان اسلامی. عنصر دوم انسجام و هماهنگی است که با سه سنجه قابل پایش است: سازگاری با فطرت انسانی، سازگاری با ضوابط و قواعد اسلامی و سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلام. سومین عنصر، مطابقت با واقعیت است که از سه سنجهٔ نفس‌الامر در گزاره‌های متافیزیکی، گزاره‌های واقعیات مادی و گزاره‌های منطقی استفاده می‌کند. عنصر چهارم، کارآمدی اســت که از سنجهٔ حل مسائل واقعی زندگی، تصریح نص معتبر و کشف ملاک بهره می‌برد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

کتابنامه

۱. **قرآن کریم**، ترجمهٔ ناصر مکارم شیرازی.

۲. **نهج‌البلاغه**. ترجمهٔ علی دشتی. قم: انتشارات امام علی (ع).

۳. الآمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۰. **غررالحکم و دررالکلم**. ترجمه و شـرح آقاجمال خوانساری. تهران: دانشگاه تهران.

۴. ارسطو. ۱۳۷۸. **مابعدالطبیعه**. ترجمهٔ محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.

۵. ایروانی، باقر. ۱۴۲۶ق، **دروس تمهیدیة فی القواعد الفقهیة**. قم: دارالفقه.

۶. بوریل، گیسبون؛ مورگان، گارت. ۱۳۸۳. **نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان**. ترجمهٔ محمدتقی نوروزی. قم: سمت و مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمةالله علیه).

۷. توسلی، محمدصادق؛ سعدی، حسینعلی. ۱۳۹۴. «تبیین مؤلفه‌های حجیت خط‌مشی‌های عمومی». **حکومت اسلامی**. شمارهٔ ۷۵. صص ۶۹ـ۴۳.

۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۱. **شریعت در آینهٔ معرفت**. قم: نشر اسراء.

۹. ـــــــــــــــ ۱۳۸۷. **ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت**. قم: نشر اسراء.

۱۰. ـــــــــــــــ ۱۳۸۹. «فطرت در آیینهٔ قرآن». **فصلنامهٔ انسان‌پژوهی دینی**. شمارهٔ ۲۳. صص ۲۸ـ۵.

۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. **لغت‌نامه**. تهران: دانشگاه تهران.

۱۲. رووت، مایکل. ۱۳۸۹. **فلسفهٔ علوم اجتماعی**. ترجمهٔ محمد شجاعیان. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۳. سلیمانی امیری، عسکری. ۱۳۹۵. «تفسیر نوین معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی از صدق و نفس‌الامر بر مبنای دیدگاه علامه طباطبایی (ره)». **پژوهش‌های عقلی نوین**. شمارهٔ ۱. صص ۶۱ـ۳۷.

۱۴. شبان‌نیا، قاسم. ۱۳۹۵. **فلسفهٔ سیاست**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۵. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۶. **روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی**. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.

۱۶. ـــــــــــــــ ۱۳۹۷. «روش اکتشـاف نظریه از منابع و متون دینی». **روش‌شناسی علوم انسانی**. قم. شمارهٔ ۹۴. صص ۲۱ـ۷.

۱۷. طباطبایی، محمدحسـین. ۱۳۷۴. **ترجمهٔ تفسیرالمیزان**. جلد ۴. ترجمهٔ سیدمحمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.

۱۸. عزیزی، شهریار. ۱۳۹۵. **روش پژوهش در مدیریت**. تهران: سمت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]

۱۹. فتحعلی، محمود، ۱۳۹۷. **درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. فرنج، درک. ۱۳۷۱. **فرهنگ توصیفی مدیریت**. ترجمهٔ محمد صائبی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۱. فقیهی، ابوالحسن؛ علیزاده، محسن. ۱۳۸۴. «روایی در تحقیق کیفی». **فصلنامهٔ علمی پژوهشی فرهنگ مدیریت**. شمارهٔ ۳. صص ۱۹ـ۵.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی. ۱۳۹۷. **پیش‌نویس نقشهٔ جامع مدیریت اسلامی (نجما)**. قم: دانشگاه قم.
۲۴. گروه نویسندگان. ۱۳۹۱. **فلسفهٔ تعلیم و تربیت اسلامی**. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی مدرسهٔ برهان.
۲۵. گریزری، پـــال. ۱۳۸۹. **نقدی بر دانش مدیریت**. ترجمهٔ محمد صائبی. قم: پژوهشـــگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. لطیفی، میثم. ۱۳۹۰. «روش‌شناســـی راهبردهای تدبر در قرآن‌کریم استقرایی از پژوهش‌های میان رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر». **اندیشهٔ مدیریت راهبردی**. شمارهٔ دوم. صص ۵۵ـ۲۵.
۲۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۰. **پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۸. ـــــــــــــــــ ۱۳۸۶. **معارف قرآن خداشناسی**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۹. مکارم‌شیرازی، ناصر. ۱۳۷۰. القواعد الفقهیة، جلد ۱. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.
۳۰. منطقی، محسن؛ شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۷. «فرایند اکتشاف نظریهٔ اخلاقی اسلام در موضوع سکوت سازمانی». **فصلنامهٔ پژوهشنامهٔ اخلاق**. شمارهٔ ۴۲. قم. صص ۵۴ـ۳۵.
۳۱. هومن، حیدرعلی. ۱۳۹۱. **شناخت روش علمی در علوم رفتاری**. تهران: سمت.
32. Giorgi, A. 1988. **VALIDITY AND RELIABILITY FROM A PHENOMENOLOGICAL PERSPECTIVE**. New York : Springer.
33. Onwuegbuzie, A.J. and Johnson, R.B. 2006."The validity issue in mixed research". **Research in the Schools**. 13(1). Pp 48-63.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.3.8]